

بررسی جرم تمرد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس

ابوالحسن شاکری^۱، ماندانا رستگاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۷

چکیده

حفظ اقتدار دولت و فراهم کردن امکانات و شرایط لازم برای مأموران به انجام مأموریت های محوله از شرایط اعمال حاکمیت است. نافرمانی افراد در برابر مأموران تحت هر یک از عناوین «حمله یا مقاومت» در حقوق کیفری ایران با شرایطی موجب تحقق جرم تمرد است، مراد از حمله تعرض فیزیکی به مأمور است، بنابراین بکارگیری الفاظ موهن با هر مفهومی حتی اگر عرفاً حمله لفظی تعبیر شود حمله به شمار نمی آید. حتی فرار یا پنهان شدن از دست مأموران دولت در حین انجام وظیفه یا عدم اطاعت از دستور او مقاومت محسوب نمی شود، مگر اینکه قانون گذار در تعریف تمرد «از رفتاری که مانع اجرای وظیفه مأمور شود» نام برد که اعم از حمله یا مقاومت است. از آنجایی که تمرد با استفاده از ابزار یا آلات، خطرناک است، پیشنهاد می شود جدا بر تشدید مجازات کسانی که از سلاح در ارتکاب جرم تمرد استفاده می کنند، مجازات کسانی که از ابزار یا آلات برای ارتکاب این جرم استفاده می کنند بیشتر از کسانی باشد که از این ابزار یا آلات استفاده نمی کنند؛ لذا شایسته است زیر یکی از بندهای ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ عبارت ذیل اضافه شود: هر گاه تمرد با دست بردن به ابزار یا آلاتی باشد، متهم به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

واژه‌های کلیدی

تمرد، حاکمیت، مقاومت، حمله

۱- دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، Shakeri_criminallaw@yahoo.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مازندران، avocate.۸@gmail.com

مقدمه

مقاومت یا حمله در برابر مأموران دولت که در حال انجام وظایف حاکمیتی هستند در واقع مخالفت و مقابله با دولت است که پیامد آن تزلزل قدرت ملی و حتی تجری سایرین به ارتکاب چنین اعمالی است؛ بنابراین تحکیم و حفظ اقتدار حاکمیت، ملازمه با جرم انگاری آن و تعیین مجازات‌هایی متناسب برای کسانی است که مانع اجرای اعمال حاکمیتی می‌شوند.

اولین قانون جزای ایران که تمرد را به عنوان جرم عمومی مطرح کرد قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه.ش در مواد ۱۶۰^۱ و ۱۶۱ بود، سپس در سال ۱۳۵۰ قانونگذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح به سبب اهمیت جرم قاچاق اسلحه، تمرد قاچاقچیان اسلحه را تابع قانون خاص قرار داد.^۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ قانون تعزیرات تصویب شد که مواد ۸۴^۳ و ۸۵^۴ آن مربوط به جرم تمرد بود، با انقضای اعتبار قانون اخیر، قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید که ماده ۶۰۷ و تبصره آن به شرح زیر به جرم تمرد اختصاص یافت.

« هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

- ۱- ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴: هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی بطور تجری نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به قدر ذیل:
 - ۱: هرگاه متمرد در حین اقدام دست به اسلحه کند به حبس مجرد از دو الی شش سال.
 - ۲: هرگاه متمرد مسلح بوده ولی دست به اسلحه نکند به حبس تأدیبی از چهار ماه تا دو سال.
 - ۳: هرگاه متمرد غیر مسلح باشد به حبس تأدیبی از سه ماه الی یک سال محکوم خواهد شد.
- ۲- هرگاه مرتکب یا مرتکبین که لاقل یک نفر از آنان مسلح باشد در مقابل قوای دولتی مقاومت مسلحانه نمایند به اعدام و اگر مقاومت نمایند به حبس با کار از سه تا ۱۵ سال محکوم می‌شود.
- ۳- ماده ۸۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲: هرگاه متمرد در حین اقدام دست به اسلحه کند به حبس از شش ماه الی سه سال و در غیر این صورت به حبس از ۳ ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.
- ۴- اگر متمرد در موقع تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

۱. هر گاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از ۶ ماه تا ۲ سال؛
 ۲. هر گاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال؛
 ۳. در سایر موارد حبس از ۳ ماه تا یک سال.
- تبصره: اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.»

راجع به جرم تمرد افراد نظامی، مواد ۳۳۵ الی ۳۳۸ قانون دادرسی و کیفری ارتش در سال ۱۳۱۸ به تصویب رسید، بنابراین جرم تمرد نظامیان از شمول قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ خارج شد و سپس جای خود را به قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۳۴ این قانون راجع به جرم تمرد و مجازات افراد نظامی متمرّد داد، در سال ۱۳۸۲ اصلاحاتی در قانون اخیر انجام گرفت و ماده مزبور تحت ماده ۵۲ به شرح زیر اصلاح گردید:

«هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن با علم و آگاهی در مقابل مأموران نظامی و انتظامی حین انجام وظیفه آنان مقاومت یا به آنان حمله نماید متمرّد محسوب و به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

- الف) در صورتی که تمرد با اسلحه صورت گرفته باشد به حبس از ۲ تا ۵ سال؛
 - ب) در صورتی که تمرد بدون سلاح به عمل آید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال.»
- تحقیقاً ماده ۵۲ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی پاسخگوی تمامی مباحث و ابهامات مربوطه نیست؛ لذا سؤالاتی چند در این خصوص مطرح است:

۱- ماده ۳۳۵ قانون دادرسی و کیفری ارتش مصوب ۱۳۱۸: هر نوع حمله یا مقاومت غیر مسلحانه که نسبت به مأموران مسلح دولتی در حین انجام وظیفه و به سبب آن به عمل آید تمرد محسوب و کیفر آن بر حسب مورد از ۶ ماه تا ۳ سال حبس عادی خواهد بود.

۲- ماده ۳۳۸: هر گاه تمرد به وسیله عده‌ای از سربازان مسلح که کمتر از هشت نفر نباشد به عمل بیاید مرتکبان محکوم به اعدام می‌شوند ولی در صورتی که مرتکبین محرک داشته یا میان آنها افسری باشد کیفر اعدام فقط درباره محرک و یا افسری که از حیث درجه بالاتر است مجری خواهد بود و سایرین به حبس موقت با کار محکوم می‌شوند.

سوالات تحقیق: ۱. آیا جر و بحث با مأمور، مقاومت یا تمرد محسوب می‌شود؟

۲. آیا فرار از دستورات مأمور، مقاومت است؟

۳. آیا سبب تأخیر یا ایجاد مانع برای اجرای مأموریت مأموران، مقاومت یا تمرد محسوب می‌شود؟

در این مقاله، سعی شده است که پاسخ به سؤالات فوق و دیگر ابهامات وارده، با لحاظ مبانی و موازین حقوقی، تحت عناوین عناصر جرم و علل مشدده آن، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

روش

روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای و بررسی کتاب‌ها و مقالات و رجوع به سایت‌های اینترنتی موجود بوده است و روش تحقیق و مطالعه در این پژوهش به صورت تحلیلی و تبیینی می‌باشد.

پیشینه

مبانی نظری و یافته‌ها

محمد صفدری در سال ۱۳۱۶ در مجموعه حقوقی دادگستری مقاله‌ای تحت عنوان «تمرد نسبت به مأموران دولت در ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی» به رشته تحریر در آورده است. در سال ۱۳۳۱ ابراهیم یاد در مجله نامه شهربانی مقاله‌ای تحت عنوان «دفاع مشروع در مقابل مأموران دولتی» در سال ۱۳۷۹ نوشته است. محمدجعفر حبیب زاده نیز مقاله‌ای با عنوان «دفاع مشروع در برابر مأمور دولت» در ماهنامه دادرسی به چاپ رساند. هم‌چنین محمد حسین محسنی در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه مازندران، پایان‌نامه‌ای با عنوان «تمرد در حقوق کیفری ایران» به نگارش در آورده است.

۱. عناصر جرم تمرد: تحقق جرم تمرد منوط به احراز شرایط خاصی است که از آنها به عناصر نام می‌بریم، علاوه بر عنصر قانونی، عناصر مادی و روانی مفروض می‌باشند که تماماً آنها را باید از صراحت قانون استخراج کرد، رفتار مجرمانه، خصوصیت مجنی علیه، حین

انجام وظیفه، اعمال مأموران دولتی و اسلحه با لحاظ حالات روانی مرتکب، اجزاء عنصر مادی این جرم هستند که به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۱-۲. رفتار مجرمانه: جرم تمرد به هر یک از دو رفتار حمله یا مقاومت در برابر خواسته قانونی مأمور در راستای وظیفه‌اش واقع می‌شود، مقصود از حمله در لغت به معنای هجوم و یورش است (معین، ۱۳۶۲، ج ۱، ۱۳۷۴) و در اصطلاح، اعمال زور و مقهور نمودن مأمور دولت جهت مطیع ساختن او به اراده شخص متمرد است. مقصود از مقاومت رفتاری به منظور جلوگیری از عمل قانونی مأمور دولت در اجرای وظیفه‌اش می‌باشد. مقاومت در برابر مأمور اجرای قانون غیر از مقاومت در مقابل قانون است که در واقع اخص از آن می‌باشد، در ماده ۱۰ قانون اساسی فرانسه مصوب ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ نیز آمده است: «... هر شهروند که بر حسب اقتدار قانون احضار یا بازداشت گردید باید فوراً اطاعت کند مقاومت در برابر قانون جرم است» (مارتینز، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲).

بخش دوم ماده ۸۹ قانون «پلیس» مصوب ۱۹۹۶ انگلستان بین حمله و مقاومت تفاوت قائل است و حتی برای هر کدام مجازات جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است.^۱ در ایران هم حمله به مأموران دولت غیر از مقاومت در برابر آنها است؛ اما مجازات مرتکبین مشترک و واحد است. ماده ۱۴۸ (A) قانون جزای کالیفرنیا آمریکا هم فرد را منع می‌کند از این که عمداً در برابر افسر پلیس یا تکنسین پزشکی اورژانس در زمانی که در حال انجام وظایف یا شروع به انجام وظایفش است، مقاومت کند یا او را به تأخیر بیندازد و یا به گونه‌ای دیگر مانع او شود.^۲ هرچند در این ماده به حمله در برابر مأموران اشاره نشده، ولی با توجه به قسمت آخر این ماده، حمله هم از مصادیقی می‌تواند باشد که تحت شمول ماده

۱- ۸۹(۲) any person who resist or willfully obstructs a constable in the execution of his duty, or a person assisting a constable in the execution of his duty, Shall be guilty of an offence and liable on summary conviction to imprisonment for a term not exceeding one month or to a fine not exceeding level ۳ on the standard scale, or to both.

۲- ۱۴۸(a): Every person who willfully resists, delays, or obstructs any public officer, peace officer.....

قرار بگیرد؛ اما در قانون ایران به صراحت از حمله و مقاومت یاد شده است که از این جهت قابل مقایسه و تأمل است. در هر حال رفتار مجرمانه ترمرد اعم از حمله یا مقاومت با توصیف مزبور تنها با فعل مادی تحقق می‌پذیرد و ترک فعل از شمول ترمرد، اعم از حمله یا مقاومت خارج است.

اینکه آیا ترک اجرای دستور یا به عبارت مصطلح، اطاعت نکردن از دستور مأمور دولت ترمرد است یا خیر؟ جای بحث است، با لحاظ اینکه عنصر مادی جرم ترمرد حمله یا مقاومت در برابر مأمور دولتی است که در حین انجام وظیفه قانونی خود باشد و صرف اطاعت نکردن، اقدامی جلوگیری از اجرای وظیفه قانونی مأمور دولت نیست پس نمی‌توان عدم اطاعت را ترمرد دانست، مثلاً محکوم به تخلیه یا خلع ید از منزل علی‌رغم همه تشریفات قانونی، دستور مأمور اجرای حکم را به تخلیه یا خلع ید اجرا نکند و وسایل خود را از منزل محکوم له خارج ننماید و حتی اگر خود محکوم علیه هم با وصف اطلاع و ابلاغ اجرائیه و دستور مأمور اجرای حکم از منزل خارج نشود، به عبارت دیگر در اجرای خلع ید همکاری ننماید، مقاومت و ترمرد تحقق نیافته است؛ زیرا که عدم همکاری و عدم اطاعت از مأمور، بدون آن که مانعی در راه انجام وظیفه مأمور ایجاد نماید ترمرد به حساب نمی‌آید. مشابه این بحث در دیوان عالی کشور آمریکا مطرح شده است که هیچ کس نمی‌تواند بابت عدم اطاعت از فرمان یک افسر پلیس مجازات شود،^۱ به نظر می‌رسد که باید بین مقاومت مجرمانه و عدم اطاعت فرق قائل شد، مقاومت عموماً و حداقل با اقدام به فعلی به مانع شدن از انجام وظیفه مأمور منجر می‌شود در حالی که صرف اطاعت نکردن چنین نتیجه‌ای را به دنبال ندارد و فعلی از مرتکب سر نمی‌زند.

۲- J.T.K (۱۹۷۰). "Resisting arrest", California Law Review, ۵۸:۲۲۲-۲۲۹.

مشابه بحث فوق این است که آیا توجه نکردن به دستور مأموران راهنمایی و رانندگی و عمل به میل خود یا فرار یا پنهان کردن خود، تمرد است؟ در این خصوص برخی^۱ معتقدند که توجه نکردن راننده اتومبیل به دستور ایست مأموران راهنمایی و رانندگی یک تخلف است و راننده متخلف وفق جدول تخلفات جریمه خواهد شد، در مقابل، نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۵۵۶_۱۴/۸/۷۸ است: «عدم توجه متهم به تعقیب و اخطار ایست مأموران و فرار متهم از مصادیق تمرد و مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.» هر چند در توجیه و تقویت این نظر می‌توان گفت که با توجه به ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی لازمه تحقق جرم تمرد نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه، حمله به مأموران نیست، بلکه مطلق اقدامی هم مثل فرار که با علم و آگاهی در مقابل مأموران دولت حین انجام وظیفه آنان صورت می‌گیرد تا مأمور نتواند وظیفه خود را انجام دهد جرم تمرد محسوب می‌شود. همچنانکه در آمریکا (ایالت نیویورک) اگر مرتکب در حین دستگیری فرار کند، متهم به جرم مقاومت در برابر پلیس است (قانون جزا، ماده ۲۰۵/۳۰).^۲ در حالی که به نظر می‌رسد صرف فرار متهم نه از مصادیق حمله است و نه داخل در مفهوم مقاومت هر چند که مأمور نمی‌تواند وظیفه خود را انجام دهد، البته فرار ممکن است موجب تأخیر در اجرای حکم یا مانع اجرای آن توسط مأمور شود؛ لذا مقاومت دانستن آن در برابر مأمور نیاز به تصریح و نص قانونی دارد، به همین خاطر در قانون جزای کالیفرنیا نیز در ماده ۱۴۸ از عبارات به تأخیر انداختن و یا مانع شدن در کنار اعمالی چون فرار کردن یا پنهان شدن به عنوان مقاومت یاد شده است، ولی در بحث مقاومت لازم است که از متهم رفتاری در خلاف جهت وظیفه مأمور سر بزند تا مأمور نتواند

۱ - مجموعه نشست های قضائی مسائل قانون مجازات اسلامی (۲) ناشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه چاپ دوم قم زمستان ۱۳۸۲ ص ۱۹۷.

۲ - ۲۰۵،۳۰: A person is guilty of resisting arrest when he intentionally prevents or attempts to prevent a police officer or peace officer from effecting An authorized arrest of himself or another person.
Resisting arrest is a class a misdemeanor.

این وظیفه را انجام دهد از این رو همکاری نکردن یا پنهان شدن یا فرار متهم غیر از مقاومت در برابر مأمور است. شاید بر این اساس بوده است که اداره حقوقی قوه قضائیه متعاقباً، برخلاف نظر قبلی خود، در نظریه شماره ۷/۷۸۹۱-۸۱/۸/۲۱ اعلام کرده است که «فرار از مصادیق تمرد نیست؛ زیرا در فرار، حمله یا مقاومت در برابر مأموران منتفی است»^۱؛ البته در توضیح باید گفت چنانچه مأموران بر سر راه راننده مانعی ایجاد کرده باشند و راننده با اقدام به کنار زدن آنها متواری شود در این صورت مقاومت جلوگیری از اجرای وظیفه مأمور است، در قانون برخی از کشورها مثل انگلستان به ضابطه کلی تر «مانع اجرای وظیفه» اشاره شده است که فرار یا پنهان شدن می تواند یکی از مصادیق آن باشد.

در قانون پلیس ۱۹۹۶ ماده ۸۹ (۲) انگلستان آمده است: هر شخصی که در برابر پلیس مقاومت کند یا عامدانه مانع اجرای وظیفه پلیس یا هر شخصی شود که به پلیس در اجرای وظیفه اش کمک می کند، مرتکب جرم تمرد شده است.^۲ در این تعبیر از مقاومت مصادیق مقاومت در مقابل مأموران دولت مشخص و محدود نیست و با توجه به اوضاع و احوال متفاوت است.

این که استفاده از الفاظ غیر معمول در مقابل مأمور حین اجرای وظیفه تمرد محسوب است یا خیر؟ محل بحث است. البته مقصود از استفاده از الفاظ غیر معمول لزوماً توهین نیست که خود جرم خاص و منصرف از این بحث است بلکه منظور استفاده از برخی کلمات و بعضاً به نحوی ویژه است که مأمور را تحت تأثیر قرار دهد و در اجرای وظیفه

۱ - مجموعه قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات تهیه و تنظیم اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ناشر معاونت پژوهش چاپ چهارم زمستان ۱۳۸۲.

۲ - ۸۹(۲): Any person who resists or willfully obstructs a constable in the execution of his duty, or a person assisting a constable in the execution of his duty, shall be guilty of an offence and liable on summary conviction to imprisonment for a term not exceeding one month or to a fine not exceeding level ۳ on the standard scale, or to both.

مأمور اخلال ایجاد کند بعضی^۱ معتقدند که قانونگذار در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی یا ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح بر خلاف قانون سابق، از عبارت "اقدام عملی" استفاده نکرده است، پس هر نوع رفتار مثبتی اعم از این که فعل باشد یا لفظ، تحت عنوان مجرمانه تمرد قرار خواهد گرفت. در آمریکا (نیویورک) اگر مرتکب در حین دستگیری با پلیس جر و بحث کند متهم به جرم مقاومت در برابر پلیس است (قانون جزا ماده ۲۰۵/۳۰). هم چنین در کالیفرنیا آمریکا بر اساس ماده ۱۴۸ قانون جزا، رفتار غیر فیزیکی یا شفاهی نیز می تواند اتهام مقاومت در برابر پلیس باشند؛^۲ اما با تأمل در ماهیت حمله یا مقاومت می توان گفت صرف استفاده از کلمات هر چند قبیح و محرک و حتی توهین آمیز نمی تواند مصداق حمله یا مقاومت باشد زیرا که فعل مادی خاصی فراتر از کلمات در این مقام از مرتکب سر نزده که عرفاً دلالت بر حمله یا مقاومت کند.

یکی دیگر از مصادیق قابل بحث در جرم تمرد، راجع به دستور موقت است که علی رغم صدور رأی قاضی به اجرای دستور موقت و ابلاغ آن؛ خواننده به آن توجه نمی کند و همچنان برخلاف دستور موقت صادره اقدام می کند، آیا می توان گفت این اقدام خواننده مقاومت در برابر قاضی یا مأمور اجرای واحد اجرای احکام است؟ از آنجا که موضوع دستور موقت توقیف مال یا انجام عمل و یا منع از امری است^۳، اگر توقیف حقوقی به منظور جلوگیری از نقل و انتقال مالکیت مد نظر باشد اقدامات خواننده به منظور نقل و انتقال مالکیت صحیح نیست و واجد عنوان جزایی دیگری است، تحقیقاً اجرا نکردن دستور قاضی به انجام عمل موضوع دستور موقت هم منصرف از مقاومت و حمله به مأمور دولت است؛ زیرا که مأمور درصدد انجام رفتار خاص نیست تا در برابر وی مقاومت یا

۱- مجموعه نشست های قضائی مسائل قانون مجازات اسلامی (۲) ناشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه چاپ دوم قم زمستان ۱۳۸۲ ص ۱۹۸.

۲- <http://www.shouselaw.com/resisting-arrest.html>

۳- ماده ۳۱۶ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹: دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل یا منع از امری باشد.

حمله‌ای صورت گرفته باشد و حتی به نظر می‌رسد اصرار و عمل خواننده یک پرونده حقوقی به امری که قاضی دادگاه دستور منع آن را داده است نه مقاومت است و نه حمله به مأمور دولت، مگر اینکه خواننده دستور موقت، مانع اجرای اقدامات قانونی مأمور مجری دستور قاضی گردد که در این صورت تمرد واقع می‌شود، ولی از آنجا که با لحاظ مقررات آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام، مأمور برای اجرای دستور موقت وظیفه خاصی به عهده ندارد و فقط مخاطب دستور موقت، خواننده دعوی حقوقی است، بنابراین بی توجهی به مفاد دستور موقت داخل در مفهوم مقاومت یا حمله نیست هر چند که دستور قاضی نادیده گرفته می‌شود، اما در تأمین جزایی موضوع مواد ۱۰۸ تا ۱۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ اینگونه نیست زیرا که در اجرای قرار تأمین خواسته صادره از دادگاه، مأمور دولت وظیفه به انجام و اقدام خاص مورد نظر مذکور در مفاد قرار دادگاه را دارد که مانع شدن از اجرای آن توسط مأمور داخل در مفهوم مقاومت و جرم تمرد است.

خصوصیت مجنی علیه: هر چند به ظاهر، مأمور دولت، بزه دیده جرم است، ولی قربانی واقعی جرم، دولت است؛ لذا ابتدا ضروری است در مورد واژه دولت و سپس مأمور دولت توضیحی داده شود. دولت معانی متعددی دارد، غالباً دولت به دو معنا استعمال می‌شود: یکی به عنوان خاص که منظور از آن قوه مجریه است و دیگری به معنای عام یعنی حاکمیت که همه نهادهای حکومتی کشور اعم از قوه مقننه، قضائیه، قوه مجریه و حتی هر نهاد دیگری را که در مقام اعمال قدرت عمومی هستند در بر می‌گیرد (قاضی، ۱۳۸۳، ص ۵۴). از آنجایی که بخش عمده ای از قدرت عمومی و اعمال حاکمیت مضاف بر قوه مجریه از سوی قوای قضائیه و مقننه یا دیگر نهادهای خاص هم اجرا می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان تنها دولت به معنای خاص کلمه را مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی

۱ - شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد دادگاه قرار تأمین خواسته را صادر می‌نماید، این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض است.

دانست، بلکه مفهوم دولت در معنی عام مدنظر است، خصوصاً در آنجا که قید یا قرینه ای مثلاً اشاره ای به دیگر قوا نشده است که منظور از دولت قوه مجریه است، باید دولت را در مفهوم حاکمیت در نظر گرفت.

مأمور دولت: اصطلاح «مأمور» یا «مأمور دولت» در قانون تعریف نشده است در نگاه اول منظور از مأمور دولت کسی است که از طرف دولت (به معنای عام آن) وظیفه خاصی به او محول شده باشد. اصطلاح «مأموریت» در ماده ۱۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ تعریف خاصی دارد: «محول شدن وظیفه موقت به مستخدم غیر از وظیفه اصلی یا عادی که در پست ثابت سازمانی خود دارد.» چون همه مأموران دولت لزوماً مستخدم نیستند باید گفت این تعریف در مقام بیان و تعریف مأموریت مستخدم دولت است و نه واژه مأمور دولت و از این جهت بین مأمور دولت و مستخدم دولت رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق وجود دارد، به این معنا که همه مأموران دولت لاجرم مستخدمین دولت نیستند، ولی همه مستخدمین دولت می توانند مأموران دولت باشند (حیب زاده، ۱۳۷۰، ص ۲۱)، به عبارت بهتر، تمامی کارمندان دولت اعم از رسمی، پیمانی، در قوانین جزایی ایران مأموران دولتی هستند (صفدری، ۱۳۱۶، ص ۳۱) و بر این اساس کارمند دولت کسی است که به خدمت دولت پذیرفته شده باشد و در یکی از وزارتخانه ها یا مؤسسات دولتی به خدمت مشغول باشد، ماهیت و نوع رابطه مطرح نیست. در قوانین جزایی ایران مأموران دولت به جهت انجام وظیفه محوله سازمانی شان تحت حمایت خاص مقنن قرار دارند؛ البته مشروط به این که اعمالشان از نوع حاکمیت باشد، اعم از اینکه این وظیفه موقتی یا از نظر سازمانی ثابت باشد، به عبارت بهتر، شرط حمایت از مأمور (اعم از مستخدمین دولتی در پست های مختلف یا رسمی و آزمایشی و قرار دادی و یا به هر عنوان دیگری) این است که در حال انجام وظیفه محوله حاکمیتی به نام دولت باشد که غیر از، تصدی گری است.

برخلاف قانون کیفری ایران که غالباً در خصوص تمرد از عنوان کلی مأموران دولت نام می برد قانون مجازات عمومی فرانسه در ماده ۲۰۹ کسانی را که مشمول حمایت در برابر

تمرد و تعدی افراد قرار می‌گیرند صریحاً نام برده است (علایی، ۱۳۱۸، ص ۱۹۹) و به این ترتیب هر گونه شک و شبهه ای را از میان برداشته است. در قانون کیفری کالیفرنیا، ماده ۶۹، بطور کلی از مأموران اجرایی صحبت کرده است،^۱ در این ماده مأمور دولت به طور کلی به کسی اطلاق می‌شود که مسئولیت اجرای قانون را به عهده دارد از این جهت با توسعه یا کاهش نهادهای اجرای قانون براحتی می‌توان مأموران این نهادها را شناسایی کرد.^۲ به علاوه در ماده ۱۴۸ همین قانون نیز مصادیقی را بطور خاص بیان کرده است.^۳

در قانون جزای ایران به صراحت نیامده است که حمله یا مقاومت در مقابل کدامیک از مأموران دولت ایران تمرد محسوب می‌شود؛ البته شاخص‌ترین و بدیهی‌ترین دسته مأمورانی که حمله یا مقاومت در مقابل آنها تمرد است ضابطان دادگستری می‌باشند، این ضابطان در ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به طور حصری مشخص شده‌اند، بند ۵ این ماده به دسته‌ای از ضابطان اشاره دارد که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، ولی آیا می‌توان گفت حمله یا مقاومت در برابر فقط این عده از مأموران دولت (ضابطان دادگستری) تمرد است؟ تحقیقاً خیر، بلکه به نظر می‌رسد هر مأموری از دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد حمله یا مقاومت در مقابل آنها تمرد است.

۱- ۶۹. Every person who attempts, by means of any threat or violence, to deter or prevent an executive officer from performing any duty imposed upon such officer by law, or who knowingly resists, by the use of force or violence, such officer, in the performance of his duty, is punishable by a fine not exceeding ten thousand dollars (₤۱۰,۰۰۰), or by imprisonment pursuant to subdivision (h) of Section ۱۱۷۰, or in a county jail not exceeding one year, or by both such Fine and imprisonment.

۲- <http://www.shouselaw.com/resisting-arrest.html>

۳-۱۴۸. (a) (۱) Every person who willfully resists, delays, or obstructs any public officer, peace officer, or an emergency medical technician, as defined in Division ۲.۵ (commencing with Section ۱۷۹۷) Of the Health and Safety Code...

راجع به مأموران شهرداری که مأموران دولت محسوب می‌شوند یا خیر؟ در ابتدا باید گفت به موجب تصویب نامه تأسیس سازمان شهرداری‌های کشور، مصوب ۱۳۶۵/۵/۱۹ هیئت دولت و با استناد به ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ مصوب ۱۳۸۶/۷/۸، سازمان شهرداری‌های کشور یک نهاد عمومی غیر دولتی، ولی وابسته به وزارت کشور بوده و قانون برای آن شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری و حقوق متمایز از دولت قائل شده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹). دولت حاکم بر تصمیمات شهرداری است و بر شهرداری نظارت دارد و حتی این نظارت در صندوق شهرداری هم است^۲ و اختلاس از صندوق شهرداری مشمول مقررات اختلاس از صندوق دولت است^۳ که همین مقررات در موارد مربوط به ارتشا نیز وجود دارد^۴، بر این اساس ظاهراً شهرداری یک مؤسسه دولتی

۱ - ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری: نهاد عمومی غیر دولتی، واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از ۵۰ درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.

۲ - ماده ۷۱ قانون شهرداری‌ها: شهرداری مکلف است هر شش ماه یک بار منتهی تا پانزهم ماه بعد صورت جامعی از درآمد و هزینه شهرداری را که به تصویب انجمن شهر رسیده برای اطلاع عموم منتشر و سه نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال نماید و همچنین شهرداری مکلف است هر ۶ ماه یک دفعه آمار کلیه عملیات انجام شده از قبیل خیابان سازی و ساختمان عمارات و سایر امور اجتماعی و بهداشتی و امثال آن را برای اطلاع عموم منتشر نموده و نسخه ای از آن را به وزارت کشور بفرستد.

۳ - ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد....

۴ - ماده ۳: هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکتهای دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا نداده و انجام آن برطبق حقایق و وظیفه بوده یا نبوده باشد یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود....

می‌باشد، ولی شهرداری‌ها قانون خاص خود را دارند و بر اساس ماده ۳ قانون شهرداری: شهرداری دارای دارای شخصیت حقوقی است که مستقل از شخصیت دولت است. ضمناً باید متذکر شد که هر گاه قانون‌گذار خواسته است که شهرداری را نیز مشمول قانون خاص کند نام آن را در کنار عنوان دولت یا مؤسسات دولت ذکر کرده است (به عنوان مثال ماده ۱ و ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری یا مواد ۵۶۷، ۵۳۴، ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی)؛ بنابراین شهرداری یک نهاد دولتی نیست، بنابراین مأموران شهرداری و حتی مأموران مشمول ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (طبق این ماده گزارش مأموران شهرداری در خصوص تخلف از این قانون در حکم گزارش ضابطین دادگستری است) و مأموران دیگر نهادهای عمومی غیر دولتی مثل کارکنان کمیته امداد و همین‌طور اعضای شوراهای اسلامی، مأموران دولتی موضوع نظر مقنن در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نیستند.

راجع به سربازان وظیفه مبنی بر اینکه آنها مأموران دولت هستند یا خیر؟ نظرات متفاوتی ابراز شده است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۵۵۲۱/۲۲_۱۳۶۷/۹/۲۲ سرباز وظیفه را مأمور دولت ندانسته است؛ اما در ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به صراحت سربازان وظیفه جزء افراد نظامی و تحت شمول این قانون در آمده‌اند، بنابراین هر گونه شک در خصوص مأمور دولت بودن سربازان وظیفه از جهت انجام وظایف محوله به آنان را برطرف نموده است.

نکته ای که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ جلب توجه می‌کند عبارت «مأموران نظامی و انتظامی» مذکور در ماده ۵۲ است؛ اما از آنجا که مقنن در ماده ۱ این قانون کلیه افرادی را که تحت شمول قانون مجازات نیروهای مسلح قرار می‌گیرند به اختصار به عنوان «نظامی»^۱ آورده است که نظر به کارکنان ستاد نیروهای مسلح و

۱- ماده ۱- دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار (نظامی) خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند: الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های

سازمانهای وابسته و کارکنان سپاه پاسداران و اعضای بسیج سپاه پاسداران و سازمان های وابسته و کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کارکنان نیروی انتظامی و کارکنان وظیفه و محصلان مراجع فوق و کسانی که به طور موقت در خدمت نیروی های مسلح هستند دارد، پس مقاومت در برابر کلیه افراد مشمول ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اعم از نظامی یا انتظامی با شرایط مقرر تمرد است و مقصود از مأموران نظامی مذکور در ماده ۵۲ کلیه افراد مذکور در ماده یک این قانون به غیر از نیروی انتظامی است؛ زیرا که در این ماده مأموران انتظامی به مأموران نظامی اضافه شده است که در حقیقت با لحاظ توضیح صدر ماده یک این قانون که نظامی اعم از همه این افراد به شرح فوق است، نیازی به این تفکیک نیست.

حین انجام وظیفه: از نظر لغوی آن چه اجرای آن شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی قرار دارد وظیفه نامیده می شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳۲۱۱)، در اصطلاح حقوقی به تکلیف قانونی مأمور دولت وظیفه و گاهی وظیفه قانونی گفته می شود که در مقابل وظیفه اخلاقی و باطنی به کار می رود (حیب زاده، ۱۳۷۹، ص ۲۰)؛ بنابراین منظور از وظیفه مأمور دولت، شغل یا مأموریت یا تکلیفی است که به موجب قوانین و مقررات از طرف دولت به معنای عام کلمه به عهده مأمور گذاشته می شود اعم از اینکه این وظیفه مستمر یا موقت یا افتخاری باشد. در واقع مبنای وضع ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی یا موارد مشابه در خصوص تمرد اجرای قطعی و کامل قدرت عمومی دولت و حمایت از مأمور دولت در حین اجرای این قدرت می باشد، به عبارت بهتر، هدف از وضع قواعد مربوط به جرم تمرد پاسداری از

وابسته. ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان های وابسته. ج- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. د- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان های وابسته. ه- کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. و- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن. ز- محصلان^۵ موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح^۶ مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. ح- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می شوند.

حاکمیت دولت و حمایت از مأموران دولتی است که به نام دولت سیاست های حاکمیتی را اجرا می نمایند. با این توصیف و با لحاظ مواد ۶۲۶ و ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی عمل مأموران دولت تا جایی قابل پذیرش است که اولاً در حال انجام وظیفه محوله قانونی باشند و ثانیاً در اجرای اوامر و دستورات قانونی از حدود وظیفه خارج نشوند و برای انجام مأموریت خود دست به عملی نزنند که به موجب قانون جرم محسوب می شود؛ بنابراین مأموران مادامی که در حال انجام وظیفه باشند از پشتیبانی و حمایت دولت نیز برخوردار خواهند بود (رأی شماره ۲۲۵۰ / ۳ / ۹ / ۱۳۱۸ دیوان عالی کشور).^۱ به عنوان مثال، اگر مأموری شبانه و در غیر موقع ضرورت وارد منزل دیگری شود مقاومت در مقابل وی را نمی توان مقاومت در مقابل مأمور دانست، چون که از حدود قانونی خارج شده است (طبق رأی شماره ۹۰-۱۴ / ۱ / ۱۳۸۱ دیوان عالی کشور).

اعمال مأموران دولت به دو دسته اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی تقسیم می شوند که هر کدام از این اعمال آثار مجزایی به دنبال دارد، منظور از اعمال تصدی مطابق با تبصره ماده ۴ قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت مصوب ۱۳۰۹ عبارت است از اعمالی که دولت از نقطه نظر حقوقی مشابه اعمال افراد انجام می دهند مانند خرید و فروش، اجاره و امثال آن.

اعمال حاکمیتی مأموران دولت، اعمالی هستند که دولت از حیث داشتن قدرت عمومی و اعمال قدرت عمومی انجام می دهند، مانند تأسیس معابر عمومی و میدان ها و استخدام مأموران رسمی (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۴۷۱). دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای خود اعمال حاکمیتی را چنین تعریف کرده است: «اعمال حاکمیت دولت، اعمالی است که طبعاً اشخاص نتوانند انجام دهند از قبیل امور مربوط به مالیات و امثال آن، ولی معاملاتی که دولت مانند افراد عادی انجام می دهد و بعد نسبت به وجه ثمن معاملات مزبور اختلافی

۱- جرم ترمّد در صورتی تحقق می یابد که مأمور در حین انجام وظیفه اداری مورد حمله یا مقاومت قرار گیرد و انجام وظیفه یا ترمّد نیز رابطه داشته باشد.

حاصل می‌شود هیچ ارتباطی با اعمال حاکمیت دولت ندارد.^۱ مطابق نظر دیوان عالی کشور ایران در رأی شماره ۳۰۹۶-۱۳۱۸/۱۲/۱۲ مقصود از وظیفه و مأموریت در ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ قانون مجازات عمومی و ماده ۶۰۷ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی اعمالی است که مأموران دولت در مقام حاکمیت انجام می‌دهند و در مقابل، مقاومت و تمرد نسبت به مأموران دولت در حین انجام اعمال تصدی یا به سبب آن با دو ماده مزبور منطبق و جرم نیست. در عمل مرز شفاف بین اعمال حاکمیت با اعمال تصدی وجود ندارد، به همین دلیل در برخی از قوانین کشورها مثل انگلستان به صراحت اعمال حاکمیت نام برده شده است. در قانون پلیس انگلستان نیز نوع وظیفه پلیس حمایت از جان افراد و دارایی آنان و حفظ صلح و آرامش و نیز جلوگیری از وقوع جرم و رسیدگی به جرایم و پیشگیری از ایجاد مانع در راه اعمال حاکمیت است (انگلیس، ۱۹۹۹)، ولی همیشه این گونه نیست بلکه از نوع وظیفه می‌توان فهمید که چه اقدامی عمل حاکمیتی است مثل دستگیری طبق قانون. در ایالت کالیفرنیا، مأمور پلیس در صورتی که دستگیری قانونی انجام دهد در حال انجام وظایف خود محسوب می‌شود.^۲ دیوان عالی کشور آمریکا نیز تفسیر کرده است که هیچ کس نمی‌تواند بابت عدم اطاعت از فرمان یک افسر پلیس، اگر پلیس خودش قانون را نقض کند مجازات شود،^۳ بنابراین صرف مخالفت با مأمور جرم و قابل مجازات نیست.

نکته ای که در ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح راجع به مأموران نظامی قابل طرح است نوع وظیفه این مأموران می‌باشد، آن چه در این ماده به عنوان وظیفه مصرح است آن اقدامات خاصی است که مأموران نظامی بنا به شغل خود مکلف به انجام دادن آن هستند، به عبارت دیگر، در این ماده صحبت از تقسیم وظیفه به اعمال حاکمیت و تصدی

۱- حکم شماره ۱۰۵۷-۱۳۲۷/۶/۳۱-۶، شعبه ۶، متین، احمد، (۱۳۳۰)، مجموعه رویه قضایی (قسمت حقوقی)، ۱۳۳۰-۱۳۱۱.

۲- <http://www.shouselaw.com/resisting-arrest.html>

۳- J.T.K (۱۹۷۰). "Resisting arrest", California Law Review, ۵۸:۲۲۲-۲۲۹.

نیست بلکه مراد از وظیفه کلیه اعمالی است که به جهت قوانین و اوامر نظامی ملزم به اجرای آن می‌شوند.

قید دیگر عبارت «به سبب انجام وظیفه» می‌باشد که در ماده ۳۳۵ قانون دادرسی و کیفری ارتش مصوب ۱۳۱۸ آمده و در کنار حین انجام وظیفه لحاظ شده بود، ولی قانونگذار در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تنها از عنوان «در حین انجام وظیفه» استفاده کرده و از آوردن عبارت «به سبب انجام وظیفه» خودداری نموده است، البته این تدبیر قانونگذار صحیح و پسندیده می‌باشد (پاد، ۱۳۳۱، ۸)؛ زیرا عنوان «به سبب انجام وظیفه» جدا از حین انجام وظیفه در خصوص فعل ترمرد به تنهایی مصداق نخواهد داشت؛ اما در یک نگاه به نظر می‌رسد، حذف کلی عبارت «به سبب انجام وظیفه» که به دنبال عبارت «در حین انجام وظیفه» آمده بود هم خالی از اشکال نیست، زیرا حذف عبارت مذکور به این معنا خواهد بود که مقنن علی‌الاطلاق مواردی را هم که در آن شخص به هر دلیلی به مأمور حمله می‌کند ترمرد محسوب کرده است؛ بنابراین بهتر است مقنن از هر دو عبارت، به شکل معطوف در کنار هم استفاده کند تا دایره شمول ماده قانونی را محدودتر کند و از گسترش بی‌مورد این عنوان مجرمانه نسبت به افرادی که به دلایلی غیر از منظور مقنن به مأموران دولتی حمله می‌کنند جلوگیری کند؛ اما مبنای وضع قانون با حذف عبارت «در حین انجام وظیفه» حمایت از دولت جدا از شخصیت مأموران است، که با تأمین آنها دولت در تأمین قرار خواهد گرفت و با حمله و مقاومت در برابر آنها حتی اگر به سبب وظیفه شان نباشد، به شرطی که در حین انجام وظیفه باشند حاکمیت دولت به مخاطره می‌افتد؛ زیرا که مأموران در حین انجام وظیفه هستند.

اسلحه در قانون مجازات اسلامی به کرات از اسلحه یا سلاح نام برده شده است که از جمله آن ماده ۶۰۷ است. صرف نظر از مفهوم آن، آنچه که قانونگذار را وادار کرده تا

واکنش شدیدتری در مقابل کسانی که با اسلحه اقدام به تمرد کرده است اتخاذ نماید دو چیز است:

۱. استفاده از اسلحه موجب تسهیل وقوع جرم شده و از کارآمدی مأموران جلوگیری خواهد کرد؛
۲. استفاده از اسلحه موجب بروز خطر بالقوه جانی برای مأموران در حال انجام وظیفه است.

ابتدا مهم این است که بدانیم به کدام شی اسلحه گفته می‌شود؟ اسلحه که جمع آن سلاح است از نظر عرفی به ابزار یا آلاتی گفته می‌شود که به وسیله آنها جنگ می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۱). در مواردی که مقنن احصا کرده است، ممکن است تردیدی در اسلحه بودن شی مورد نظر نباشد، مثل انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۳ وزارت جنگ،^۱ ولی در بعضی موارد یافتن مصداق اسلحه کاملاً واضح و آسان نیست، مثلاً برخی معتقدند که چاقو اسلحه به شمار نمی‌آید (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۲۰). دیوان عالی نیز چاقو را اسلحه نمی‌دانست^۲، اما با توجه به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی و ماده یک و دو لایحه قانون مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد مصوب ۱۳۳۱^۳ چاقو اسلحه سرد به حساب آمده است، در هر حال لازم است که در بند ۱ معلوم شود که ضابطه تشخیص اسلحه چیست؟

۱ - انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری که مشمول مقررات این قانون است از طرف وزارت جنگ تعیین و اعلام می‌شود.

۲ - ۲۶۵۷/° ۱۳۱۷/۱۱/۲۹

۳- ماده ۱: حمل چاقو که نوعاً در موارد منازعه به کار میرود و همچنین حمل هر نوع اسلحه سرد دیگر در اماکن و معابر عمومی هر چند که دارنده به داشتن آن تظاهر نکند ممنوع است و مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.

ماده ۲- هر کس به داشتن چاقو یا هر نوع اسلحه سرد دیگر تظاهر و یا قدرت نمائی کند و یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص و یا اخاذی و یا هر نوع استفاده دیگر قرار بدهد و یا بدان وسیله تهدید نماید و با کسی گلاویز شود به سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی و یا به اقامت اجبار از یک سال تا دو سال در محلی غیر از محل اقامت او محکوم خواهد شد.

صرف نظر از صحت و سقم نظراتی که دیوان عالی کشور و اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص اسلحه بیان کرده اند طبق چه معیاری می توان آلتی را اسلحه محسوب کرد؟ دیوان عالی کشور ایران در رأی شماره ۶۱/۱۲/۱۶/۳۲ اتهام ایراد جرح با چاقو را با توجه به وحدت ملاک «آلت برنده بودن» از مصادیق بارز بند ج ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۳۴ یعنی چاقو دانسته است، در حالی که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۴۴۵۹ ° ۷۳/۷/۴ بر خلاف آن نظر داده است: «اگر کسی قاشق غذاخوری را به نحوی تیز نماید که حالت برندگی پیدا نماید، اسلحه سرد محسوب می گردد یا خیر؟ باید گفت: برنده بودن اشیاء موجب اطلاق اسلحه سرد بر آنها نیست»، پس نیاز به بیان ضابطه مضاف یا ضوابط دیگری است. بدون تردید در توصیف اسلحه باید گفت که خاصیت کشندگی و آسیب به انسان در آن باید وجود داشته باشد، بر این اساس در بخش ۱۸ قانون جزای فدرال آمریکا، قسمت اول، فصل هفتم، ماده (۱۱۱۱)، اسلحه مرگبار و خطرناک را اسلحه ای می داند که به منظور کشتن یا ایجاد خطر به کار رود.^۱ در فرهنگ بریتانیکا سلاح وسیله ای است که «در جهت مبارزه با هدف کشتن یا آسیب زدن یا دفع دشمن، استفاده می شود.»^۲ ولی واقعاً این اندازه از خصوصیات کلی کافی نیست تا شیء، اسلحه تلقی گردد، بلکه مضاف بر آن در تعریف اسلحه باید به این خصوصیت آن انحصاری نگاه کرد، به این معنا که انحصاراً برای کشتن انسان ساخته شده باشد و حتی بیشتر از آن باید به عرف هم نظر داشت. بدین ترتیب تعریف اسلحه عبارت است از شیئی که جهت کشتن یا آسیب زدن جدی به انسان یا حیوان ساخته شده و در زمان استفاده، قابلیت مذکور را داشته باشد و در عرف نیز اسلحه تلقی شود؛ لذا داس، بیل، تفنگ بدلی، بطری نوشابه و مانند آنها که از ابتدا برای کشتن انسان ساخته نشده، از شمول عنوان اسلحه خارج هستند هر چند استفاده از آنها ممکن است موجب تسهیل وقوع جرم گردد یا

۱- A weapon intended to cause death on danger but that fails to do so by reason of defective component.

۲- An instrument used in combat for the purpose of killing, injuring, or defeating an enemy.

مأموران را مرعوب و از انجام وظیفه خود باز دارد که از این جهت تفنگ بدون مهمات و تفنگ بدلی را هم نمی توان اسلحه گفت؛ زیرا که در زمان استفاده خاصیت کشندگی ندارند.

علل مشدده مجازات جرم تمرد: حمله یا مقاومت با اسلحه و بدون اسلحه شرایط یکسانی ندارد، تحقیقاً کسانی که با اسلحه مرتکب جرم تمرد می شوند، میزان خطر بالاتری را نسبت به کسانی که بدون اسلحه هستند، دارند، به همین خاطر در بند ب ماده ۱۱۱ فصل هفتم از بخش ۱۸ قانون کیفری ایالات متحده آمریکا استفاده از سلاح جهت حمله یا مقاومت یا ممانعت یا ارباب مأموران دولت فدرال در حال انجام وظیفه آنان موجب تشدید مجازات مرتکب و محکومیت وی به جریمه نقدی یا حبس تا بیست سال یا هر دو می شود.^۱ همین طور در قانون مجازات اسلامی ایران ماده ۶۰۷ از علل تشدید کننده مجازات متمردين به صور ذیل نام برده شده است:

الف) هر گاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.
ب) هر گاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال.
با دقت در هر یک از این بندها به دست می آید که مقنن در بند الف از عنوان اسلحه «خود» استفاده کرده است، آیا اگر متمرّد اسلحه شخص دیگری را با خود داشته باشد یا اسلحه‌های را که در دسترس است، نشان دهد، می توان گفت که او از این بند مستثنی خواهد بود؟ جواب قطعاً منفی خواهد بود؛ زیرا منظور از «خود»، تصرف و امکان استفاده از اسلحه است که در دست وی می باشد. بنابراین بهتر است که واژه «خود» از عبارت مذکور حذف گردد و تنها نشان دادن اسلحه (اعم از اینکه متعلق به متمرّد باشد یا همراه او باشد) کافی است.

۱- B) Enhanced penalty: who ever, in the commission of any acts described in subsection (a), uses deadly or dangerous weapon (including a weapon intended to cause death on danger but that fails to do so by reason of a defective component) or inflicts bodily injury, shall be found under this title or imprisoned not more than ۲۰ years, or both.

نکته دیگر اینکه بند الف که برای اولین بار در ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی مطرح شده است، قصد متمرّد را دلیل تشدید مجازات دانسته است در صورتی که از یک طرف این قصد به آسانی قابل اثبات نمی‌باشد و از طرف دیگر مقنن بیان نکرده که چگونه ممکن است که بندهای الف و ب از نظر فعل مادی مجرمانه از یکدیگر تفکیک پذیر باشند، به عبارت دیگر، آیا نشان دادن اسلحه به قصد تهدید مستلزم دست بردن به اسلحه نیست؟ اگر این چنین است چند مصداق و مثال می‌توان در این خصوص آورد؟ شاید تنها مصداقی که بتوان برای بند الف ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی ذکر کرد این است که مثلاً متهم کت خود را کنار زده و اسلحه‌ای را که به همراه دارد نشان دهد. جز این مثال حداکثر در چند فرض جزئی و محدود دیگر نمی‌توان برای بند الف ماده ۶۰۷ مزبور مصداق نام برد. از آن طرف ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ متمرّد نظامی را تنها مشمول یکی از بندها می‌داند، ولی مقنن بندهای الف و ب ماده ۶۰۷ را به گونه‌ای تدوین کرده است که در عمل فرد متمرّد مشمول هر دو بند قرار می‌گیرد. فرض کنیم شخص ابتدا اسلحه همراه خود را به قصد تهدید به مأموران نشان دهد و سپس در اثنای درگیری دست به اسلحه ببرد، حال سؤال این است که تعدد مادی در این خصوص باید اعمال گردد یا تعدد معنوی؟ مسلماً جواب در نظر اول این است که تعدد مادی باید اجرا گردد؛ زیرا دو فعل در دو زمان متفاوت از یک متهم سر زده است و هر دو مشمول عنوان مجرمانه جداگانه می‌باشند، ولی باید گفت چون فعل اول داخل در فعل مجرمانه دوم است پس مجازات فعل دوم که شدیدتر است، بر او تحمیل می‌گردد.

اگر مقایسه‌ای اجمالی بین ماه ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح صورت گیرد متوجه خواهیم شد که بندهای ذکر شده در ماده ۵۲ قانون مجازات‌های جرایم نیروهای مسلح دقیق‌تر تنظیم شده‌اند، زیرا از یک طرف به طور منطقی باید مجازات شخص متمرّد نظامی بیشتر از مجازات یک فرد معمولی باشد، دیگر اینکه طبق بند ب این ماده شخص چه دست به اسلحه ببرد و چه دست به سوی اسلحه

ببرد مشمول مجازات مقرر و یکسان خواهد بود، به عبارت دیگر فرقی نمی کند که متمرّد اسلحه را به دست گرفته و آن را به طرف مأموران نشانه رفته باشد یا اینکه اسلحه‌ای را در دسترس دیده و به طرف آن خیز بردارد، ولی با این حال نیز این ایراد را می توان مطرح کرد که مقنن با تدوین این بند (۲ ماده ۶۰۷) مجازات متمرّدی را که عملاً دست به اسلحه برده و به سوی مأموران نشانه گرفته است با شخصی که به سوی اسلحه‌ای که در دسترس خود دیده و در صدد است تا با استفاده از آن مأموران را تهدید کند، ولی قبل از رسیدن به اسلحه توسط مأموران دستگیر شده یکسان دانسته است.

عبارت «در حین اقدام» در قوانین قبلی (بند ۱ ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴) شبهاتی را برای دادگاه‌ها ایجاد کرده بود به همین دلیل دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود (رای شماره ۲۶۵۷ _ ۱۳۱۷/۱۱/۲۹) شخصی را که قبل از تمرد دست به اسلحه برده بود نیز مشمول علل مشدده مجازات دانست (عبده، ۱۳۸۳، ص ۳۳)، اما مقنن در سال ۱۳۷۵ با بکار بردن دوباره این عبارت در بند ۲ ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی در واقع شک و تردید را دوچندان کرد و این نظر را تقویت نمود که برخلاف رأی دیوان اگر شخصی قبل از اقدام به تمرد به هر منظور دست به اسلحه برده باشد مشمول بند ۲ ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود.

اشخاصی که در ارتکاب این جرم از ابزار یا آلات (غیر از اسلحه) استفاده می کنند خطرناکتر از اشخاصی هستند که حین ارتکاب جرم تمرد از این ابزار و آلات استفاده نمی کنند به همین سبب باید مجازات بیشتری برای این افراد در نظر گرفت. لذا بهتر است ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر اصلاح شود:

«هر گونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه

آنان و به سبب آن به عمل آید تمرد محسوب می شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

۱. هر گاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال؛

۲. هر گاه متمرّد در حین اقدام دست به ابزار یا آلاتی برد به حبس از شش ماه تا دو سال؛

۳. در سایر موارد حبس از سه ماه تا یکسال.»

علاوه بر رکن قانونی که مبتنی بر پیش بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و نیز رکن مادی جرم که شامل عناصر واقعیت یافته جرم خارج از ذهن مرتکب است باید که این واقعه مجرمانه از علم و اراده مرتکب و با قصد خاص ناشی شده باشد.

منظور از علم و آگاهی در مواد ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ علم موضوعی است که مرتکب عالم به تمامی عناصر مادی جرم تمرّد باشد، بر این اساس متمرّد باید بداند شخص مزبور مأمور دولت است و نیز باید ثابت شود که مرتکب می دانسته که این مأمور دولت، در حال انجام وظیفه می باشد و همینطور بداند فعلی که اراده انجام آن را نموده است، مقاومت یا حمله نسبت به مأمور در حال انجام وظیفه است و هم چنین قصد نتیجه از رفتار خود را که همان جلوگیری از انجام وظیفه مأمور است، را داشته باشد که تماماً باید توسط مدعی العموم اثبات و توسط قاضی صاحب حکم احراز گردد. در انگلستان هم رکن روانی جرم تمرّد این است که مرتکب عامدانه در مقابل مأموری که در حال انجام وظایفش است مانع ایجاد کند و نیز باید ثابت شود که مرتکب می دانسته که این فرد مأمور دولت است و درعین حال مشغول انجام وظیفه است.^۱ در ایالت کالیفرنیا برای اینکه دادستان بتواند فرد را محکوم کند باید سه عنصر زیر را اثبات نماید:

۱. اینکه مرتکب عامدانه در برابر مأمور پلیس یا سایر مصادیق مذکور در ماده ۱۴۸ مقاومت کرده و یا عامدانه آنها را به تأخیر انداخته و همچنین مانع اجرای وظایفشان شده است؛

۲. اینکه افسر پلیس در حال انجام وظایفش بوده است؛

۱- Newman, Chris (۲۰۰۵). "Public Order Act, s.۵: Lawfulness of Arrest; Police Act ۱۹۹۶", The Journal of criminal Law, ۴۶۰-۴۶۳.

۳. مرتکب متعارفاً باید می دانسته که او یک افسر پلیس است که چنین وظایفی را انجام می داده است.

علی‌رغم این که تمرد نیاز به قصد خاص عدم انجام وظیفه توسط مأموران دارد و نیازی به تحقق این نتیجه مجرمانه نمی‌باشد (تمرد یک جرم مطلق است)، دلیل آن هم روشن است چرا که هدف قانون‌گذار از وضع این نوع ماده قانونی، اجرای صحیح قانون و حمایت از مأمور در حین اجرای وظیفه قانونی است و انگیزه مرتکب نیز در این مورد تأثیری ندارد، پس اگر شخصی مأموری را به سبب کینه و عدوات شخصی در زمان انجام وظیفه او مورد حمله قرار دهد در حالی که می‌داند مأمور در حین انجام وظیفه است یا اگر فردی به شوخی و مزاح مرتکب این عمل گردد یا حتی اگر شخصی قصد حمله به یک مأمور در حال انجام وظیفه را با انگیزه عدوات و اختلاف شخصی داشته باشد اما به اشتباه به یک مأمور دیگر در حال انجام وظیفه برخورد کند یا به هر طریق یا انگیزه‌ای مانعی بر سر راه انجام وظیفه مأمور دولت ایجاد کند مرتکب فعل تمرد شده است و مستحق مجازات مقرر خواهد بود. نهایت این که انگیزه متهم تنها می‌تواند به اختیار قاضی دادگاه موجب تخفیف میزان مجازات مرتکب باشد.

در انتها لازم به ذکر است که در حقوق انگلیس بر اساس رأی صادره در دعوی دولت علیه وینترفیلد صرف حمله و زدن پلیس موجب تحقق جرم ضرب و جرح مأمور است نه تمرد که در این خصوص هم نیازی به اثبات همه عناصر رکن روانی جرم نیست (Brandon, ۱۹۹۵)، در حالی که می‌توان گفت دو جرم تمرد و ضرب و جرح مأمور اتفاق افتاده است؛ زیرا که ضرب و جرح مأمور در حین انجام وظیفه، حمله در مقابل وی است که تمرد نام دارد. در ایالت کالیفرنیا اگر مرتکب عمداً در برابر افسر پلیس یا سایر مصادیق مذکور در ماده ۱۴۸ که در حال انجام وظایف خود هستند مقاومت کند، یا انجام وظایف آنها را به تأخیر بیندازد یا به گونه‌ای دیگر مانع آنها شود این امکان وجود دارد که فرد متهم به اتهامات جزایی دیگری نیز شود، حمله یا ایراد ضرب و جرح به افسر پلیس

بیشترین اتهامات رایجی هستند که در ارتباط با جرم مقاومت در برابر پلیس می‌باشند. در ایران نیز چنانچه مرتکب جرم تمرد نسبت به مأموران، مرتکب جرائم دیگری مثل توهین یا ضرب و جرح یا تخریب اموال وی شود، محکوم به هر یک از این جرائم و با لحاظ تعدد مادی^۱، مجازات‌های این جرایم، جمع و به ترتیب شدت مجازات‌ها به اجرا در خواهند آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

با تأمل در ماهیت حمله یا مقاومت می‌توان گفت که مراد از حمله مذکور در مواد مربوط به تمرد تنها حمله مادی است؛ بنابراین بکارگیری الفاظ با هر مفهومی حتی اگر توهین یا حمله لفظی تعبیر شود از شمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح خارج است. منظور از مقاومت در مواد مربوط به تمرد ارتکاب فعل مثبت مادی (نه ترک فعل) با قصد مقابله با انجام وظیفه مأمور دولتی است. پنهان شدن یا فرار از دست مأمور دولت در حین انجام وظیفه اطاعت نکردن از دستور او با توجه به اینکه آنها نه از مصادیق حمله هستند و نه داخل در مفهوم مقاومت، تمرد محسوب نمی‌شوند، هر چند که مأمور نمی‌تواند به درستی وظایف خود را انجام دهد، اجرا نکردن تصمیم قاضی به دستور موقت موضوع ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی نیز، منصرف از مقاومت و حمله به مأمور دولت است زیرا که مأمور ابلاغ‌کننده دستور موقت در صدد انجام رفتار خاص نیست تا در برابر وی مقاومت یا حمله‌ای صورت گرفته باشد و اصرار و عمل خواننده یک پرونده حقوقی به امری که قاضی دادگاه دستور منع آن را داده است نه مقاومت و نه حمله به مأمور دولت است، مگر اینکه خواننده دستور موقت، مانع اجرای اقدامات قانونی مأمور مجری دستور قاضی گردد که در این صورت تمرد واقع می‌شود. ولی قابل توجه است که با لحاظ مقررات آیین دادرسی مدنی و اجرای احکام در اجرای

۱ - ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی: در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشند باید برای هر یک مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد و...

دستور موقت، مأموران وظیفه خاصی به عهده ندارند و فقط مخاطب اجرای دستور، خوانده آن است. مأموران نهادهای عمومی غیر دولتی مثل شهرداری و اعضای شوراهای اسلامی چون مأمور دولت نیستند از شمول افراد ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی خارج هستند. از آنجا که تمرد با استفاده از ابزار یا آلات، خطرناکتر از تمرد بدون آنها است پیشنهاد می شود جدا بر تشدید مجازات کسانی که از سلاح در ارتکاب جرم تمرد استفاده می کنند مجازات کسانی که از ابزار یا آلات برای ارتکاب این جرم استفاده می کنند بیشتر از کسانی باشد که از این ابزار یا آلات استفاده نمی کنند؛ لذا شایسته است زیر یکی از بند های ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی عبارت ذیل اضافه شود: هر گاه تمرد با دست بردن به ابزار یا آلاتی باشد، متمرّد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

فهرست منابع

- یاد، ابراهیم (۱۳۳۱). «دفاع مشروع در مقابل مأموران دولتی». مجله نامه شهربانی، ۹: ۸-۹.
- حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۹). دفاع مشروع در برابر مأمور دولت. ماهنامه دادرسی، ۲۳: ۲۰-۲۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). دایره ترمینولوژی حقوق. جلد دوم، چاپ اول، گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صفدری، محمد (۱۳۱۶). «تمرد نسبت به مأموران دولت در ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی». مجموعه حقوقی وزارت دادگستری، ۴۴: ۳۱-۳۲.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). حقوق اداری. تهران: سمت.

- علایی، امیر (۱۳۱۸). «تمرّد در حقوق فرانسه». مجله حقوقی وزارت دادگستری، ۴: ۱۹۹.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). محشی قانون مجازات اسلامی. چاپ دوم، مجد.
- مارتینز، رنه (۱۳۸۲). تاریخ حقوق کیفری اروپا. ترجمه محمدرضا گودرزی، چاپ اول، مجد.
- معین، محمد (۱۳۶۲). لغت نامه. تهران: سپهر.
- مجموعه قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات تهیه و تنظیم اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ناشر معاونت پژوهش چاپ چهارم زمستان ۱۳۸۲.
- مجموعه نشست‌های قضایی، مسائل قانون مجازات اسلامی (۲)، (۱۳۸۲) چاپ دوم، ناشر: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، قم.
- مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور، (۱۳۷۴)، دفتر مطالعات تحقیقات دیوان عالی کشور، چاپ روزنامه رسمی کشور.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹؛
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸؛
- قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰؛
- قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷؛
- قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت مصوب ۱۳۵۲؛
- قانون دادرسی و کیفری ارتش مصوب ۱۳۱۸؛
- قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت مصوب ۱۳۰۹؛
- قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴؛
- قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۳۴؛

- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶؛
- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲؛
- قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵؛
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴؛
- قانون «پلیس» انگلستان مصوب ۱۹۹۶؛
- قانون کیفری کالیفرنیا مصوب ۱۸۷۲؛
- قانون جزای کانادا مصوب ۱۹۸۵؛

انگلیسی

- J.T.K (۱۹۷۰). Resisting arrest , California Law Review, ۵۸: ۲۲۲-۲۲۹.
- Newman, Chris (۲۰۰۵). Public Order Act, s.۵: Lawfulness of Arrest;
- Police Act ۱۹۹۶ , The Journal of criminal Law, ۴۶۰-۴۶۳.
- Rule, Philip (۲۰۰۹). Resisting Unlawful Arrests , The Journal of criminal Law, ۱۷۴:۱۸۹-۱۹۵.
- Jack English, Richard card (۱۹۹۹). Butter Worth s police Law, sixth edition.
- Shouse Law Group (۲۰۱۲). California s "Resisting Arrest" Law Penal Code ۱۴۸(a) (۱) PC. Available at: Www.shouselaw.com/resisting-arrest.html
- Steve Brandon, criminal law, university of London, (۱۹۹۵)